



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۲۸

گرد آورنده و مؤلف: داکتر مصطفي آريامل

## جغرافیای اقتصادی و سیاسی جهان متعاقب بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸

انعکاسات و پس لرزه های اقتصادی و سیاسی بحران نام برده که بعد از سقوط چند بانک بزرگ در ایالات متحده آغاز گردید و هنوز هم در جهان محسوس است که در نتیجه، پیامد های سرنوشت ساز را در سطح جهان به دنبال آورد. بحران مذکور حیثیت و اعتبار سیستم بانکداری و اقتصادی امریکا را صدمه شدید رساند و در نتیجه اروپا و دیگر ممالک عمده اقتصادی، مدل بانکداری و اقتصادی امریکا را غیر مطمئن و شکنند در یافتند و از مدار دالر دوری جستند.

تنزل اعتماد بر ایالات متحده به حیث يك قدرت اقتصادی پیشتاز و تکیه گاه برای ثبات بانکداری و مالی جهان حتی قبل از سقوط Lehman Brothers در سال ۲۰۰۸ آغاز گردیده بود.

طوریکه برملا شده، سیاستمداران امریکا حتی قبل از بحران مذکور، به سیاست کناره جوئی در صحنه جهانی متمایل شدند و در عاقبت دو رئیس جمهور کناره جو یعنی بارک اوباما و دونالد ترمپ متعاقب یکدیگر در رأس قدرت ایالات متحده قرار گرفتند.

مردم عامه امریکا جنگ عراق را نکوهش کردند و از اعضای پیمان ناتو، برطانیه یگانه شریک امریکا در جنگ عراق بود و این خود میرساند که نارضایتی های جهانی در مقابل ایالات متحده اوج گرفته بود.

بارک اوباما در مبارزات انتخاباتی از نارضایتی های ملت امریکا در باره جنگ های عراق و افغانستان استفاده به وقت سیاسی کرد و با گرفتن قدرت، حضور نظامی امریکا در عراق و افغانستان را به سرعت تقلیل داد.

همان عقب رفتن قوای نظامی امریکا از شرق میانه، سبب عروج دوباره طالب و دیگر گروه های خشونتگر در افغانستان و هنگامه جویی روسیه، ایران و عربستان سعودی در عراق و سوریه و سر بر آوردن داعش گردیده و بلاهای بشری و فزیکي مدهشی را در آن ممالک به جا گذاشت.

بحران اقتصادی فوق الذکر، این انگیزه برخواست و منفی را که ایالات متحده چطور خواهد توانست با مدل بانکی صدمه پذیر و اقتصاد معروض به بحران، به حیث يك الگو برای ممالک رو به انکشاف، کار خواهد داد سبب شد تا رفته رفته، ممالک رو به انکشاف در سراغ يك ملجأ و مرجع با ثبات اقتصادی برآیند.

مملکت چین و لو با بیرق و پلنفورم کمونستی که دارای اقتصاد شگوفان و ثبات بانکی خوبی است به حیث يك قدرت اقتصادی نو ظهور و بدیلی به جای امریکا برای ممالک رو به انکشاف تبارز کرده است.

ده سال، قبل جمهوریت مرد چین آماده مصاف با قدرت اقتصادی و سیاسی امریکا نبود و حتی بعد از جاپان در ردیف سوم قرار میگرفت اما شاریدگی در مدیریت اقتصادی و ذوب و انحلال بانک های عمده و سقوط ارزش تبادلات در وال ستریت نیویارک منجر به فراهم ساختن میدان تثبیت برای چین گردید.

چین توانست با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه قاطع، از آسیب فراگیر بحران اقتصادی فوق الذکر جلوگیری کند و به حیث يك اقتصاد متمرکز و کنترل شده توسط دولت، موفق بدر آید.

مدل های اقتصاد کنترول شده مرکزی خصوصاً در اتحاد شوروی سابق و اقمار آن به افلاس و ورشکست مواجه شده اند و آن پیامد ها، چین را وادار ساخت تا برای بقای اقتصادی خویش، مقررات سخت گیرانه را در مقابل تشبثات اقتصادی داخل قلمرو رفع کرده و با به کارگیری مشوقه های کپیالتسکی و لو محدود، زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم نماید.

جنگ های افریقا و آسیا خاصناً افغانستان، سوریه، عراق و لیبیا سبب بیجا و مهاجر شدن ملیون ها باشندند گردیده و اکثرأ از طریق زمین، دریا و هوا رخ به اروپا کردند.

این موج عظیم مهاجرین، ممالک سر راه مانند ترکیه، یونان و ایتالیا را مورد هجوم قرار داد که در نتیجه اعضای بازار مشترک دچار دست و پاچگی شدند تا تدابیر دسته جمعی برای جلوگیری از ورود این مهمان ناخواسته اتخاذ کنند.

بحران مذکور تساند و شیرازه بازار مشترک را سخت آسیب رساند و از عقب گرد و غبار و آشفتگی های زاده از هجوم مهاجرین، حرکات نشنلیسی تند و محافظه کارانه در اروپا سر برآورد که شباهت زیاد با راه و روش دونالد ترمپ داشت و کم و بیش سعی کردند تا دروازه ها را به روی مهاجرین ببندند.

متعاقب بحران سال ۲۰۰۸، نرخ تیل از ۱۴۷ دالر فی بیرل به ۳۰ دالر سقوط کرد که ممالک عمده صادر کننده نظیر عربستان سعودی، روسیه، وینزویلا، ایران، لیبیا و ممالک خلیج فارس به کسر شدید اسعار رو برو شدند و در خطر افلاس قرار گرفتند.

فکر میشود که همان سقوط نرخ تیل، بحران آفرین شد و یکی از اسباب سقوط حکومت های تونس، لیبیا و مصر و مشتعل شدن جنگ های جاری و خانمان سوز در آن منطقه تلقی میگردد.

بعد از منطقی شدن بحران تیل، روسیه توانست از مدرک فروش تیل و گاز، اقتصاد ورشکسته خود را سر و سامان دهد و با غضب کریمیا و تعرض بر اوکراین، فضای سیاسی جهان را بیشتر منتشر سازد و بدان وسیله، روسیه یعنی وارث اتحاد شوروی به انقراض رفته توانست خود را دوباره در سطح جهان مطرح نماید.

دورنمای اتحاد سیاسی و نظامی چین و روسیه برای برانداختن ایالات متحده از صدر قدرت بعید به نظر میرسد اما توأمیت ها و موافقات و حرکات معطوف به آسیب رسانیدن به سیطره اقتصادی و سیاسی امریکا دوام نموده و شدت خواهد یافت.

روابط منتشر بین ایالات متحده و ناتو که تا اندازه زیاد عدم استقرار و بوقلمون مجازی دونالد ترمپ سبب آن شده، اعضای ناتو را وادار کرده است تا برای حفاظت دسته جمعی خویش چتر مطمئن دیگری را سراغ کنند که احتمالاً ارکان عمده آن، تشنج زدائی بین ناتو و روسیه و نزدیکی اقتصادی با چین و احتمالاً ایجاد پیمان دفاعی بدون اشتراک امریکایی شمالی خواهد بود.

نظر به اینکه يك تعداد ممالک عضو ناتو خصوصاً جرمنی متکی به تیل و گاز روسیه میباشند روسیه آنرا به حیث ناخن افکار اروپا نگرسته و در مذاکرات امتیازات بیشتری تقاضا خواهد کرد که عاقبت جناح اروپائی پیمان ناتو را متزلزل خواهد ساخت.

با مرور اغلب گفته های بالا که اشاعه یافت شاید شما چنین برداشت کنید که ایالت متحده امریکا با چلنج های بزرگی مواجه است و سیر حوادث در ده سال اخیر، اشاره به نزول تدریجی آن قدرت از صدر جهان مینماید.

اما حقیقت دیگر اینست که ایالت متحده، اروپا، کانادا، استرالیا، جاپان، هند، افریقای جنوبی، اسرائیل و يك عده دیگر ممالک از ارزش های دیموکراتیک عالی برخوردار هستند و غیر محتمل به نظر میرسد که دیموکراسی های مستقر و شگوفان خویش را ترك کرده به کمپ دیکتاتور چین و روسیه ببیوندند.

تنزل تدریجی ایالات متحده از نظر ظرفیت تولیدی و حجم اقتصادی همین حالا مشهود است اما حریف اقتصادی نو به پا خاسته اش چین نیز بسا مشکلات و موانع داخلی دارد که در دراز مدت، به بطی ساختن سرعت انکشاف و حتی فروپاشی آن خواهد انجامید.

### مشکلات پیش روی چین، چنین خلاصه شده میتواند:

۱. باوجودیکه رژیم موجوده توانسته ملیونها و حتی صد ها ملیون را از فقر نجات دهد با آنهم در کنه و عمق خود يك رژیم دیکتاتورریست و روزی مردم چین اختناق کمونستی را به دور خواهد افگند.

۲. همین حالا زمین و فضا و باشندگان چین با آلودگی شدید محیطی مواجه اند که با رشد اقتصادی و بلند رفتن سطح زندگی هنوز بیشتر خواهد شد.
۳. پالیسی باقیمانده از دوران ماتستونگ "یک طفل فی فامیل" به هدف اینکه از دیاد نفوس را کنترل کند حالا منجر به کمبود کارگران جوان در زراعت و صنایع گردیده است.
۴. یک کتله عظیم نفوس موجوده به سن تقاعد تقرب میکنند که حقوق تقاعد و بیمهٔ صحی شان، بر دولت مرکزی و حکومت ولایتی فشار زیاد خواهد آورد.
۵. با رخنه کردن بیشتر فضایی مجازی در آن جامعه سر بسته، امکان منسجم شدن جدائی طلبان چین نظیر ایالت تبت و مناطق کایغور بعید از امکان نیست.

در بعد خارجی، چین با اکثر ممالک دور و پیش خود تنازعات ارضی دارد به شمول مملکت بزرگ هند.

آن ممالک، هژمونی روز افزون اقتصادی و نظامی چین را برای شان مخاطره انگیز میدانند.

اگر چتر دفاعی ایالات متحده بالای جاپان نظر به تغییرات در بالانس نظامی تغییر کند جاپان مسلح شدن تا سرحد اتمی را پیش خواهد گرفت که خواب از چشم چین خواهد ریود.

با احترام